برنامه‌ریزی تشریفاتی، برنامه‌ریزی واقعی

احمد عظیمی‌بلوریان
پژوهشگر

عکس: ایلنا

در صد سال گذشته یا به عبارت دیگر از جنگ جهانی اول تاکنون همه دولت‌ها در ایران بهترین تلاش‌های خود را در جهت آبادانی و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به عمل آورده‌اند، اما نه خود دولت‌ها و نه مردم از نتیجه کار راضی نبوده‌اند. پس از خروج نیروهای بیگانه از ایران در دهه ۱۳۲۰، برنامه‌ریزی توسعه و عمران کشور با استفاده از الگوهای شرقی و غربی در ایران پایه‌گذاری شد و تاکنون ادامه یافته، اگرچه در دهه پیش از این از تحرک آن کاسته شده است. با جمع‌بندی کلی دستاوردهای برنامه‌ریزی - در کلیات توسعه و عمران کشور تا برنامه‌ریزی در بخش‌های اقتصادی - آنچه حاصل تلاش‌های برنامه‌ریزی توسعه و عمران امروز در ایران است، مطلوب مردم و دولت‌ها نیست. یک نمونه بارز در زمینه رشد و گسترش شهری در مقیاس بین‌المللی، نمره کیفیت شهر تهران میان ۲۰۰ شهر بزرگ جهان در زمینه‌های زندگی، کار و تفریح در مرز دویستمین شهر یا بهتر بگوییم در پایین‌ترین سطح است. عدالت اجتماعی که باید در یک جامعه اسلامی بهترین الگو را در جهان داشته باشد، به بی‌عدالتی و ظلم اجتماعی تبدیل شده تا حدی که شمار پرونده‌های شکایت در دادگستری ایران برابر شمار خانوارها در ایران است و ایران بالاترین شمار تصادفات جاده‌ای و مرگ‌ومیر ناشی از آن و آلودگی هوا را به خود اختصاص داده است. در نظام دولتی، هر دولت تقصیر عقب‌ماندگی‌ها را به گردن مسئولان پیش از خود می‌اندازد و نسبت به رشد و توسعه به بهترین الگوها در آینده نه‌چندان دور وعده می‌دهد. چرا؟

پاسخ به این چرا یا چراهای بی‌شماری که هر روز در جراید یا در میان اصحاب نظر مطرح می‌شود چندان مشکل نیست: در ایران، مانند کشورهای دیگر خاور میانه و جنوب غربی آسیا، پیش‌بینی رویدادها آسان نیست و تقریبا غیرممکن است. برنامه‌ریزی در جایی پاسخ می‌دهد که آینده‌نگری ممکن باشد، تا بتوان رویدادهای آینده را محاسبه و پیش‌بینی کرد. نمونه بارز این قابل پیش‌بینی نبودن را در آخرین گزارش بالاترین مسئولان دولتی پیش از انقلاب اسلامی می‌توان دید. این گزارش جمع‌بندی مقالات یک کنفرانس بین‌المللی در کتابی با عنوان «ایران در دهه ۱۹۸۰» Iran in the 1980s, (۸۰-۱۹۷۰) به ویراستاری عباس امیری و همیلتون تویشل Hamilton A. Twitchell, است که انتشارات مؤسسه بین‌المللی مطالعات سیاسی و اقتصادی که وابسته به مؤسسه پژوهشی دانشگاه استانفورد است آن را منتشر کرده بود. علاوه بر چندین پژوهشگر شناخته‌شده بین‌المللی، حدود ۲۰ نفر از وزرا و شخصیت‌های تراز اول دولت وقت و اقتصاددانان برجسته ایران پیش از انقلاب اسلامی، مقالاتی را در یک کنفرانس بین‌المللی ارائه کرده بودند که نه‌تنها بر ثبات سیاسی دولت وقت ایران تأکید شده بود، بلکه نیم‌رخ بسیار زیبایی از رشد و توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در ۱۰ سال آینده از آن مقطع زمانی را ترسیم کرده و برای ایران جایگاه بسیار ارجمندی را در سراسر خاورمیانه و جهان به تصویر کشیده بودند. جنگ ایران و عراق اقتصاد ایران را با پایین‌ترین سطح توسعه خود تنزل داد. اوضاع بلبشوی خاورمیانه امروز از سوریه تا عراق و یمن بهترین دلیل درستی فرضیه قابل پیش‌بینی نبودن رویدادها در این منطقه است. خواننده محترم می‌تواند رویدادهای دور و نزدیک در خاور میانه - از جمله پاره‌پاره‌شده ایران در دوره قاجار، تعیین و تحمیل مرزهای ایران از سوی انگلیس و روسیه تزاری، حضور روزافزون قوای کشورهای غربی و روسیه در این منطقه به‌ویژه در افغانستان، سوریه، یمن، امارات، پاکستان، عربستان و ادعاها و تهدیدهای علنی ایالات متحده بی‌ثباتی در این منطقه را به‌خوبی ببیند. حتی حضور فعال همین ۱+۵ در منطقه و امر و نهی‌آنها در توسعه تکنولوژی‌های امروزی در برجام و دخالت دولت آمریکا در اوضاع ایران نشان‌دهنده واقعیاتی است که در بالا به آنها اشاره شد.

دومین نکته مهم در هر برنامه‌ریزی داشتن دانش و آگاهی از تحولات گذشته است که بر مبنای آن بتوان اقدامات آینده را در چارچوب برنامه‌های عمرانی سروسامان داد. آگاهی از تحولات گذشته در میان مردم و صاحب‌نظران به‌صورت پراکنده وجود دارد، اما الزاما در آرشیو فعال دولت‌ها نیست. به عبارت دیگر، دولت دارای علم و دانش مطلق - مانند دانشمند در همه زمینه‌های کشورداری- نیست، بلکه امکانات و ابزاری دارد که می‌تواند دانش مورد نیاز کشورداری را با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل دقیق اطلاعات - و تشخیص درست از نادرست - مدیریت کند. حرکت اول، یعنی یافتن اطلاعات درست، مانند کار جست‌وجوکنندگان طلاست. طلا در جیب جست‌وجوکنندگان نیست. آن را با جست‌وجو و پس‌وپیش‌کردن شن و ماسه در رودخانه‌ها یا خاک‌برداری و سرند خاک، جمع‌آوری می‌کنند. سپس آنها را روی هم می‌ریزند و در کوره ذوب می‌کنند و شمش طلا می‌سازند، آن‌گاه شمش طلا را به کمک طراحان و جواهرسازان به اشیای زیبا و مورد پسند بازار و مردم تبدیل می‌کنند؛ بنابراین نقش دولت ایفای نقش عقل کل نیست، بلکه مدیریت آرای برگزیده است. این همان نکته یا پیامی است که در اصل «و شاورهم فی‌الامر» در جوامع اسلامی شناخته شده است. اما آنچه در بالا گفته شد، نباید موجب ناامیدی ما شود. ما می‌توانیم به جای برنامه‌ریزی به روش کشورهای غربی - اروپا و آمریکای شمالی - و روسیه و چین، به گذشته نگاه کنیم و از اقداماتی که ما را از توسعه و ترقی و عمران دور کرده است، بسیاری چیزها بیاموزیم و با به‌کاربردن دستورالعمل‌های درست از اقدامات نسنجیده پرهیز کنیم. در این زمینه باید به نحوه استفاده از افکار صاحب‌نظران توجه شود. در این‌باره دو پیش‌زمینه فکری در نقش دولت وجود دارد که در غرب و شرق عالم به کار گرفته می‌شود. ساده‌ترین و بهترین راه در غیاب برنامه‌ریزی تشریفاتی و بدون محتوای امروز در ایران استفاده از مدل مدیریت آراست که با اصل «وشاورهم فی‌الامر» نیز منطبق است. در موارد بحرانی، مدل آتش‌نشانی بهتر از مدل‌های مبتنی بر پیش‌بینی عمل می‌کند: چه بکنیم که فاجعه به وجود نیاید و کار بدتر نشود. چه بکنیم که وضع کشاورزی و مصرف آب‌های کشاورزی ما جلوی فاجعه کنونی را بگیرد. چه بکنیم که شهرها و روستاهای ما بیش از این تخریب نشوند و وضع بهتری پیدا کنند.

تنگناهای برنامه‌ریزی عمرانی در ایران

برنامه‌های میان‌مدت عمرانی ایران، که بیشتر آنها را این نویسنده از پیش از انقلاب تاکنون به دستور سازمان برنامه وقت به انگلیسی برگردانیده تا مورد استفاده و استناد سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرد، از ساختاری بسیار خوب و اصولی برخوردار بوده‌اند. این ساختار هم به دلیل تجربه برنامه‌ریزان و هم با استفاده از تجربه کشورهای دیگر شکل گرفته است. اما به محتوا و پیش‌زمینه‌های مباحث برنامه که می‌نگریم، شمار شایان‌توجهی از حقایقی وجود دارد که طرح و استدلال آنها از ریشه مشکل‌زا هستند، زیرا متکی بر حقیقت و واقعیت نیستند. از این‌رو نتیجه‌گیری در فصول آنها تا حدودی گمراه‌کننده بوده و هست. اینکه این نویسنده تاکنون این برنامه‌ها را به چالش نکشیده به این دلیل بوده است که سازمان برنامه‌ریزی زمانی از من برای ترجمه برنامه‌ها کمک می‌گرفته است که این برنامه‌ها پس از میلیون‌ها ساعت کار کارشناسی به شکل نهایی درآمده و پس از تصویب هیئت‌دولت به مجلس شورای ملی یا اسلامی ارائه شده و در آنجا نیز پس از صدها ساعت کار کارشناسی به تصویب نهایی رسیده و به دولت‌ها ابلاغ شده است. ایرادگرفتن در این مرحله ظلم به متخصصان و تصویب‌کنندگان شریفی است که میلیون‌ها ساعت وقت باارزش خود را صرف بررسی و تهیه و بازنگری و تصویب این برنامه‌ها کرده‌اند. برای اینکه از کلی‌گویی پرهیز شود، شمار کمی از مباحث برنامه‌های توسعه که به گمان این نویسنده بر پایه درک سطحی از موضوع شکل گرفته‌اند و بر همگان روشن است، در زیر به صورت فشرد شکافته می‌شود؛ به امید اینکه در صورت تصمیم به بازنگری مورد عنایت و دقت بیشتری قرار گیرند.

الف: آب و کشاورزی و تثبیت خاک

ایران یک کشور نیمه‌خشک و از نظر جوی متنوع است. هر کجا آب بوده «آباد» (آب - اد) شده و هر کجا خشک بوده و آب نداشته «بیابان» (بی آب - ان) شده است. به همین دلیل آب در ایران زیربنای آبادانی بوده و بی‌آبی انسان را از خود دور می‌کرده است. اگر با هواپیما یا ماهواره به سرزمین ایران نگاه کنید، هر جا آبادی هست، از بالا به صورت «پیاله» دیده می‌شود. هرچه این پیاله بزرگتر است، بالطبع جمعیت آن هم بیشتر است. شهرهای ایران در جاهایی قرار گرفته‌اند که از نظر منابع آب متنوع‌تر از دهات و روستاها بوده‌اند، اما این ظرفیت‌ها حدی دارند. ما اگر از ریش پیاله‌های اطراف ببریم و به سبیل پیاله مورد نظرمان بیفزاییم - کاری که با آب‌های کرج، ساوه و لتیان کرده‌ایم - بر امکانات رشد و توسعه تهران افزوده‌ایم، اما بسیاری از مناطق اطراف آن را خشک کرده‌ایم. مسیر حرکت آب کرج به سوی جنوب را که احتمالا ده‌ها هزار سال به شکل‌گیری یک نوار پهن و سبز و پر از نیزار منجر شده بود، با ساخت سد کرج و انتقال آب به تهران به یک بیابان برهوت تبدیل کرده‌ایم. شن و ماسه‌ای که در طول شاید صد هزار سال در کف مسیر پهناور آب سد کرج ایجاد شده بود امروز به صورت معادن شن و ماسه درآمده که با استخراج کردن، تلنبارکردن و حمل‌ونقل آنها با کامیون‌ها و بارگیری با بیل‌های مکانیکی چنان گرد و غباری به راه انداخته‌اند که آلودگی هوای ناشی از آن نه‌تنها تهران را آلوده‌تر می‌کند، بلکه موجب گسترش بیماری‌های ریوی در مردم ساکن در روستاها و شهرهای این مسیر شده است.

به دلیل نبود انرژی‌های هیدروکربوری، هزاران سال مردم شهرنشین در ایران از خار بیابان برای پخت‌وپز، حمام، تنور، بخاری و کوره‌های صنعتی و آهنگری استفاده می‌کرده‌اند - هنوز هم این رسم در نقاط دوردست کویری از میان نرفته است. خار را خارکنان از اطراف شهرها می‌چیده و با شتر، اسب یا الاغ به شهرها می‌برده‌اند. با این کار، ضمن اینکه نیاز مردم به انرژی تأمین می‌شده، بیابان‌زایی و عوارض آن از جمله حرکت خاک افزایش می‌یافته است. امروز ما با حرکت خاک به میزانی روبه‌رو هستیم که مردم در پاره‌ای از مناطق، مانند جنوب ایران به ستوه آمده و از این مناطق کوچ می‌کنند. شماری از متخصصان کشاورزی ایران که در مقطع انقلاب اسلامی بازنشسته یا بازخرید شده بودند، به امیرنشین‌های خلیج‌فارس رفتند

برنامه‌های میان‌مدت عمرانی ایران، که بیشتر آنها را این نویسنده از پیش از انقلاب تاکنون به دستور سازمان برنامه وقت به انگلیسی برگردانیده تا مورد استفاده و استناد سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرد، از ساختاری بسیار خوب و اصولی برخوردار بوده‌اند. این ساختار هم به دلیل تجربه برنامه‌ریزان و هم با استفاده از تجربه کشورهای دیگر شکل گرفته است

و به آبادانی و تثبیت خاک اطراف شهرهای آن جزایر پرداختند. ایران از این موهبت برخوردار نشد. تثبیت خاک و پراکندن تخم خارهای گوناگون در اطراف شهرهای ایران باید به صورت یک برنامه بلندمدت درآید، که به جز موارد بسیار کوچک و نمایشی از آن غفلت شده است.

ب- آب کشاورزی- قنات، کاریز

قنات از ابداعات ایرانیان در چندین هزار سال گذشته است و از چنان اهمیتی برخوردار است که به ثبت جهانی رسیده و موجب افتخار ایرانیان است. قنات از ترکیب دو عنصر شکل می‌گیرد: چاه و مسیر حرکت آب که در سیستم قنات ایران به صورت یک لوله قطور خاکی از پای چاه به وسیله انسان (مقنی) ساخته می‌شده است. نویسنده به خاطر دارد که مقنی‌ها در نواحی خشک و کویری صدای حرکت آب‌های زیرزمینی را می‌شنیدند و تشخیص آنها در انتخاب جای کندن چاه قطعی بود. فاصله چاه قنات از شهر یا روستا گاهی به ده‌ها کیلومتر می‌رسید. قطر زیاد مسیر حرکت آب به این دلیل بود که به وسیله انسان کنده می‌شد و کارگر مقنی باید به‌راحتی در آن حرکت کند. در جای‌جای مسیر حفره‌هایی تا سطح زمین زده می‌شد که مقنی بتواند تنفس کند. یکپارچگی چاه و مسیر قنات باعث می‌شد مسیر همواره مرطوب و اشباع باشد و میزان آب جذب‌شده به زمین یا بخارشده بسیار کم باشد. حفر قنات به دلیل هزینه سنگین آن کار کشاورزان نبود، بلکه در نظام زمین‌داری و عمده مالکیت در چند هزار سال گذشته، مالک می‌توانست هزینه حفر و راه‌اندازی و نگهداری را از محل درآمد کشاورزی به راحتی تأمین کند.

اصلاحات ارضی یا ملی‌شدن اراضی در دهه ۱۳۳۰ که بیشتر به تشویق آمریکا برای مقابله با نفوذ شوروی و چپ‌گرایی در ایران صورت گرفت، موجب ازمیان‌رفتن عمده مالکی و سیستم قنات در ایران شد، اگرچه کمتر کسی از این موضوع امروز سخن به میان می‌آورد. کشاورزانی که صاحب زمین شدند، به صورت سنتی بینوا بودند. در چندین هزار سال پیروی از اصل بزرگ مالکی، سهم کشاورزان یا روستانشینان از سود فعالیت‌های کشاورزی از ۲۰ درصد تجاوز نمی‌کرد. اگرچه با ملی‌شدن اراضی در رژیم پهلوی دوم، سهم کشاورز محلی از تولید افزایش یافت و با بالارفتن میزان درآمد دولت از فروش نفت، از میزان مکیدن درآمد زارعان در روستاها به‌شدت کاسته شد، اما تأمین هزینه تعمیر و نگهداری قنوات باز هم از عهده کشاورزان محلی خارج بود و کشاورزان با یکدیگر در این امر متحد نبودند. نتیجه اینکه قنوات به‌تدریج به دلیل لایروبی‌نشدن و نگهداری‌نشدن از بین رفتند. حفر چاه عمیق در مناطق کشاورزی از اوان دهه ۱۳۴۰ باب شد و رواج یافت. آنچه در این حرکت از چشم به‌دور ماند، به‌هم‌ریختن سیستم چاه و قنات مسیر آب به اراضی کشاورزی بود، به‌این‌ترتیب که حفاران تنها به حفاری می‌پرداختند و آب که به کمک موتور پمپ‌های قوی به سطح زمین می‌رسید، وارد مسیر نهرهایی می‌شد که در مسیر باغات یا زمین‌های زراعی حفر می‌شدند تا آب به مقصد برسد. شاید خواننده محترم که از کنار این چاه‌ها عبور کرده به یاد داشته باشد که در دو، سه قدمی جایی که آب چاه روی زمین می‌ریخت (و اکنون هم چنان است)، افرادی با درآوردن کفش و جوراب خود کنار جوی آب می‌نشستند و پاهای خود را در آب می‌شستند. زارعان و مالکان باغات در تأمین هزینه حفر و راه‌اندازی و نگهداری چاه شرکت می‌کردند. زمین‌ها و باغات نزدیک به چاه، بسته به سهم آبی که خریده بودند آبیاری می‌شدند و هنوز هم می‌شوند. اما آنچه فاجعه آفرید و هنوز هم ادامه دارد، هرزرفتن آب در نهرهای روباز و نرسیدن آب کافی به باغات و اراضی کشاورزی دوردست بود. زیرا با سیراب‌شدن یک زمین و حرکت آب به زمین یا باغ دوردست بعدی که در جوهای روباز صورت می‌گرفت و هنوز هم می‌گیرد، آب به دلیل تبخیر و جذب به وسیله جوها از بین می‌رفت. نویسنده مواردی را دیده است که از ۱۰ ساعت سهم آب چاه، هشت ساعت آن صرف حرکت آب از مظهر چاه تا پای زمین مورد آبیاری هدر می‌شده و تنها دو ساعت آب در زمین صاحب صرف آبیاری می‌شده است؛ آن هم با سرعت بسیار کم. این حرکت تا امروز که صدها هزار چاه عمیق در ایران حفر شده است، ادامه دارد بدون اینکه از سیستم قنات استفاده شود. به عبارت دیگر، معرفی تکنولوژی مدرن حفر چاه به جای اینکه به ارزش سیستم آبیاری ارزشمند قنات بیفزاید، آن را به‌کلی نابود کرده است. این نابودی موجب مهاجرت روستاییان جوان به شهرها شده و به هزینه‌های اجتماعی دولت افزوده است. علاوه بر این، اقتصاد کشاورزی و زندگی در روستاها از اعتبار افتاده است. راه مناسب برای جلوگیری از اتلاف آب این است که آب بلافاصله پس از خروج از چاه وارد لوله‌ای به تناسب میزان آبدهی چاه شود و در صورت نبود شیب کافی با پمپ به مقصد هدایت شود و به‌تدریج که به اراضی دوردست هدایت می‌شود، از قطر لوله کاسته شود. به این ترتیب نه‌تنها آب تبخیر یا جذب نهر مسیر خود نمی‌شود بلکه با سرعت بیشتر و زمانی کمتر آخرین زمین یا باغی را که حق آب از آن چاه دارد، آبیاری می‌کند. البته باید به جنس لوله هم توجه کرد که آب آلوده نشود.

ج- رفت‌وآمد

رفت‌وآمد مردم در شهرها و میان شهرها در ایران

تکنولوژی حمل‌ونقل در دنیای کنونی در مقایسه با عهد کهن باید موجبات صرفه‌جویی در مصرف انرژی، آسایش انسان، زندگی بهتر و شادتر از گذشته را فراهم کند. اگر غیر از این باشد، نه‌تنها آب در هاون‌کوفتن است بلکه اجداد ما در آن دنیا به ریش ما می‌خندند.

در دوره سلطنت ناصرالدین شاه، هرگاه شاه می‌خواست از شمس‌العماره به سلطنت‌آباد یا نیاوران برود سوار درشکه می‌شد. سرنشینان درشکه علاوه بر شاه و سه نفر از همراهانش، شامل سورچی یا درشکه‌چی بودند. یعنی با یک وسیله ساده، پنج نفر به وسیله دو اسب از نقطه الف به مقصد خود در نقطه ب می‌رسیدند. هر اسب به طور متوسط حدود ۶۰ اسب بخار قدرت داشت. به عبارت دیگر، سهم تولید و مصرف انرژی هر یک از سرنشینان یک‌پنجم از ۱۲۰ اسب بخار یعنی ۲۴ اسب بخار بود. در مقایسه، امروز شما از بالای یکی از پل‌های بزرگراه مدرس به ترافیک در بزرگراه زیر پای خود نگاه کنید.

بیش از ۸۰ درصد خودروهای در حال حرکت تک‌سرنشین هستند. هر خودرو به طور متوسط، ۲۰۰ اسب بخار انرژی تولید و مصرف می‌کند که یک نفر از چندین میلیون خودروسوار را از بازار به شمال شهر ببرد یا برگرداند. این به مفهوم افزایش مصرف سرانه انرژی از ۴۲ اسب بخار به ۲۰۰ اسب بخار پس از بیش از صدسال توسعه صنعتی است. دست تکنولوژی حمل‌ونقل ایران و حامیان آنها و وزارتخانه‌های مربوطه درد نکند. اگر صدای انتقاد مردم یا صاحب‌نظران درباره آلودگی هوا، بیماری‌های ناشی از استنشاق گازهای مسموم‌کننده و پودر لاستیک‌های خودروها که در یک فرایند سایش دائمی به حلق مردم می‌رود، اتلاف وقت - به‌جای صرفه‌جویی در وقت - کشتار بیرحمانه و مجروح‌شدن مردم در ترافیک شهری و میان‌شهری، دورریختن مواد هیدروکربوری که می‌تواند در خدمت صنایع واقع شود یا صادر شود، اتلاف فضای اختصاص داده‌شده در بناهای شهری برای پارکینگ و ... بلند شود، دست‌اندرکاران صنعت خودروسازی به دفاع از اهمیت این صنعت و صنایع وابسته به آن (قطعه‌سازی، کارگاه‌های تعمیراتی، صنعت آسفالت‌کاری و راه‌سازی) و درباره اشتغال نیروی انسانی و بالابردن مقام صنعتی ایران در جهان، داد سخن می‌دهند. درست مانند اینکه ما هزاران نفر را به سرطان مبتلا کنیم و برای درمان آنها ده‌ها پزشک تربیت کنیم و صدها بیمارستان بسازیم و اگر کسی از وجود عوامل سرطان‌زا و مرگ‌ومیر مردم ناله کند، از نقش بیمارستان‌ها در درمان و اشتغال نیروی انسانی ماهر در این بیمارستان‌ها حمایت کنیم. حتی مسئولان محترم امر، استدلال‌های این نوشته را گونه‌ای از آرمان‌خواهی بدون توجه به واقعیت‌های کشور می‌دانند.

ادامه در صفحه ۱۱

ادامه از صفحه اول

چرا مذاکره؟

مواضع رسانه‌ای با درنظرگرفتن ملاحظات مختلف داخلی و خارجی اعلام می‌شود و بنابراین یا «جامع» نیست یا «مانع» نیست. چون حرف‌هایی که به مخاطب خاص باید منتقل شود، ضرورتا قرار نیست به اطلاع عموم جهانیان برسد. نمونه تازه از این تفاوت که دستمایه تمسخر هم شد، افشای گفت‌وگوی تلفنی ترامپ با رئیس‌جمهور مکزیک بود که طی آن، پس از تأکید طرف مکزیکی بر اینکه هرگز هزینه‌ای برای ساخت دیوار مرزی که وعده انتخاباتی ترامپ بوده پرداخت نمی‌کند، ترامپ از وی می‌خواهد لااقل چنین چیزی را علنی نگوید. یعنی برخلاف مواضع رسانه‌ای‌اش، ترامپ در گفت‌وگو با طرف مکزیکی روی هزینه ساخت دیوار پافشاری نکرده و صرفا به دنبال وجهه سیاسی بیرونی خود بوده است. ممکن است دولتی به‌هردلیل، حاضر به «مذاکره» با دولت دیگر درباره موضوع یا موضوعات مورد اختلاف نباشد. اما این تعارضی با گفت‌وگو ندارد. اخیرا، مقام معظم رهبری تعامل گسترده با دنیا و ایستادگی در مقابل سلطه‌طلبان را به‌عنوان دو جهت‌گیری اصلی که باید در دستور کار دولت باشد تعیین کردند. ابزار اولیه این هردو، گفت‌وگو است. جمهوری اسلامی هیچ‌گاه از گفت‌وگو نهراسیده است. حتی برخلاف برخی القائات، در اکثریت قریب به اتفاق موارد، جمهوری اسلامی پیشگام قطع رابطه سیاسی با سایر دولت‌ها هم نبوده است. حتی در نبود رابطه سیاسی باز، جمهوری اسلامی باب گفت‌وگو را نبسته و همواره آماده گفت‌وگو (و نه الزاما مذاکره) بوده است. مثلا در سال ۸۶، مقام معظم رهبری با اشاره به گفت‌وگوهایی که آن زمان در عراق صورت گرفت، گفتند: «آمریکایی‌ها می‌گویند به غیر از موضوع عراق در مورد مسئله دیگری مذاکره نخواهد شد، اما ما به آنها می‌گوییم حتی موضوع عراق هم به شما ربطی ندارد و گفت‌وگو فقط در مورد وظیفه اشغالگران در قبال امنیت عراق است». یعنی آنچه در عراق صورت گرفت، نه مذاکره بلکه گفت‌وگویی بود که سفیر وقت کشورمان بعدها در مصاحبه‌ای آن را نتیجه‌بخش و موفق دانست.

ایران و آمریکا بعدتر در موضوع هسته‌ای نیز به گفت‌وگو پرداختند و این‌بار به «مذاکره» هم رسیدند. یا در برابر ادعاهای بی‌پایه امارات درباره جزایر سه‌گانه، ایران همیشه تأکید کرده که «آماده گفت‌وگوی دوجانبه برای رفع سوءتفاهم‌ها» (و نه حل اختلاف) است. یعنی طرفین می‌توانند به دور از تأثیر جو محیطی، به یک تصویر روشن برسند که با توجه به سوابق تاریخی و توافق‌های قبلی دقیقا چه چیزهایی مورد ادعای امارات است و ایران چه موضعی دارد.

اگر هم اختلاف حل نشود، «سوءتفاهم» رفع می‌شود که همین هم مهم است. همین می‌تواند درباره عربستان صادق باشد. سعودی‌ها می‌گویند ایران «سیاست‌های خود را تغییر دهد» و به اقدامات به قول آنها مخرب در منطقه پایان دهد. اما با این اظهارات کلی رسانه‌ای معلوم نیست که آنها می‌خواهند ایران کدام سیاست خود را تغییر دهد و چرا؟ آیا حمایت از دولت عراق یا دولت سوریه را پایان دهد؟ یا حمایت سیاسی از حوثی‌های یمن؟ آیا مثلا نفوذ ایران در میان شیعیان برای عربستان نامطلوب است؟ آیا می‌شود گفت ایران نباید نفوذ داشته باشد؟ نمی‌توان به اینها در فضای سیاسی و رسانه‌ای پرداخت. اگر عربستان یا هر دولت دیگر خواستار یک سیاست خارجی بالغ و جدی باشد، شرط نخست، اراده ورود به گفت‌وگو است. هیچ کشوری، چه کوچک و چه بزرگ، بدون گفت‌وگو با سایرین نمی‌تواند مدعی داشتن سیاست خارجی جدی باشد.

نگاه

معیار ارزیابی کابینه پیشنهادی دولت دوازدهم چیست

نگاه‌ها به فراکسیون امید

پری شاکرین: این روزها که بازار مجلس داغ است و بابت بررسی رأی اعتماد به کابینه دوازدهم نمایندگان سرشان حسابی شلوغ است، اگر نگاهی به چگونگی رفتار و گفتار نمایندگان بیندازیم، مواضع گوناگونی را می‌توان سراغ گرفت؛ مواضعی که در میان برخی از آنان بحث انتقادی مطرح است و البته ناحق نباید گفت که برخی واقعا به دنبال احقاق حقوق حقه ملت در جریان رأی اعتمادند. آن‌طور که صاحب‌نظران و اهالی سیاست می‌گویند، در جریان رأی اعتماد، عملکرد بیشتر مجلس فراکسیونی است و طبق قاعده‌ای که وجود دارد، باید اعضای هر فراکسیون به تصمیم فراکسیون عمل کنند.

فراکسیون امید مجلس که با رأی هماهنگ جامعه به امید اصلاح‌طلبی اعضای این فراکسیون شکل گرفت هم، یکی از فراکسیون‌های مجلس است که این روزها اگر نگاهی به سایت‌ها و اخبار بیندازید، رفتاری را متفاوت‌تر از آنچه باید باشد، مشاهده می‌کنید. حالا که رئیس‌جمهور کابینه منتخب خود را معرفی کرده است،انتظار این است که فراکسیون امید قدری بیش از دیگر گرایش‌ها و کمیسیون‌ها در مجلس شورای اسلامی همسوتر با دولت عمل کند. با اینکه بهرام پارسایی، سخنگوی این فراکسیون، چندی قبل خبر از جلسات بررسی وزرا داده و گفته بود که: «فراکسیون امید از ساعت هفت صبح شنبه تا ساعت ۲۰ جلسه مجمع عمومی خواهد داشت و اعضای فراکسیون امید به جمع‌بندی نهایی این فراکسیون درباره وزرای پیشنهادی پایبند خواهند بود»؛ به نظر می‌رسد فرایند دیگری در جریان است، چراکه هنوز در شرایطی که این بررسی‌ها ادامه دارد، هر یک از اعضی فراکسیون نظری می‌دهند و پیش‌بینی‌هایی را مطرح می‌کنند.

نباید انتظارات را بالا برد

همین چندروز قبل عضو شورای مرکزی فراکسیون امید با اشاره به نظرات برخی اعضای این فراکسیون درباره وزرای پیشنهادی مخابرات، علوم و آموزش، تأکید کرد که شخصا با معرفی رحمانی‌فضلی در وزارت کشور موافق نیست و درعین‌حال گفت که نباید انتظارات را بیش از حد بالا ببریم. قاسم میرزایی‌نیکو در گفت‌وگو با ایلنا، با اشاره به مشخص‌شدن تقریبی وزرای پیشنهادی و اعضای کابینه دوازدهم، درباره ترکیب این کابینه گفته بود: قطعا این حق رئیس‌جمهوری است که با مشورت‌هایی که انجام می‌دهد، شخصا درباره کابینه و وزرای مدنظرش تصمیم‌گیری کند و ما نیز موظفیم سوابق و عملکرد این افراد را بررسی کرده و به آنها رأی اعتماد یا بی‌اعتمادی بدهیم. او با اشاره به انجام بررسی‌های اجمالی به همراه برخی اعضای فراکسیون امید، درباره این گزینه‌های پیشنهادی اعلام کرد: بررسی‌های اولیه انجام شده و قرار است با دیگر دوستان در کمیته مربوط، در فراکسیون امید بررسی‌های تکمیلی را انجام دهیم و در نهایت در مجمع عمومی تصمیم نهایی را بگیریم. عضو شورای مرکزی فراکسیون امید درعین‌حال تصریح کرده بود: با این‌همه، در این بررسی‌های اولیه حداقل درباره برخی از وزرای پیشنهادی ان‌قلت‌های اساسی و نکات مهمی از سوی نمایندگان مطرح شده است. نماینده اصلاح‌طلب مردم دماوند در مجلس به برخی از این وزرا اشاره کرد و گفته بود: از جمله کسانی که نمایندگان در بررسی‌های اولیه ان‌قلت‌هایی درباره‌شان مطرح کردند، وزرای پیشنهادی مخابرات، آموزش‌وپرورش و علوم بود و به‌طور کل درباره چهره‌هایی که کمتر شناخته شده‌اند و یکی از آنها نیز بسیار جوان است، بحث‌هایی مطرح شده که در نهایت قرار شد اطلاعات بیشتری درباره‌شان جمع‌آوری کنیم، از این افراد دعوت کنیم و در جلساتی از نزدیک در جریان مسائل قرار بگیریم و درمجموع نیز با تصمیم فراکسیونی در این رابطه اقدام کنیم. میرزایی نیکو یادآور شده است که نباید صرفا به‌دنبال انتخاب میان بد و بدتر باشیم و حتی اگر وزیری برخلاف نظر فراکسیون رأی بیاورد هم، باز لازم است نظر خودمان را اعلام کنیم. درهمین حال، از سوی دیگر، فاطمه سعیدی، عضو فراکسیون امید مجلس با بیان اینکه باید در رأی اعتماد، مطالبه ۲۴میلیونی را در نظر بگیریم، گفته: رأی بالا به ظریف، زنگنه و قاضی‌زاده‌هاشمی از مطالبات ملی است. رئیس جمهور دوران اصلاحات حضور برخی وزرا را مثبت ارزیابی کرده است، یک منبع آگاه با تکذیب حمایت رئیس‌جمهور دولت اصلاحات از حضور آنها در کابینه دوازدهم تأکید کرد: ایشان نفیا یا اثباتا توصیه‌ای برای رأی اعتماد نمایندگان مجلس به فرد خاصی از وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم نداشته‌اند.

این در حالی بود که قاسم میرزایی‌نیکو در گفت‌وگو با ایلنا با ابراز گلایه از برخی شایعات درباره درخواست برخی اعضای فراکسیون امید از برخی وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم عنوان کرد: چنین درخواستی امکان ندارد. چون در آخرین جلسه فراکسیون که روز گذشته برگزار شد، مقرر شد تمامی نقطه‌نظرات جمع‌آوری شود و از روز شنبه جلسه وزرا با اعضای فراکسیون آغاز می‌شود. او افزود: باید اول این جلسات با وزرا برگزار شود و بعد درباره گزینه‌های معرفی‌شده نظر بدهیم، ضمن اینکه ما باید همه‌چیز را به رأی نمایندگان واگذار کنیم و اگر در مورد گزینه‌ای به جمع‌بندی نرسیدیم، می‌توانیم به او رأی ندهیم، اینکه قبل از هر چیز نظرات شخصی خود را به فراکسیون نسبت دهیم کاملا بی‌اخلاقی است. عضو فراکسیون امید تأکید کرد: مطالبی که از سوی افراد بیان می‌شود نظراتی کاملا شخصی است و ارتباطی به فراکسیون ندارد، ضمن اینکه من اطلاع دارم آقای ربیعی به‌همراه آقای واعظی به دیدار رئیس‌جمهور دوران اصلاحات رفته‌اند و در این دیدار برنامه‌ها و مطالب خود را با ایشان در میان گذاشتند. اگر این قبیل بی‌اخلاقی‌ها و جوسازی‌ها را رواج بدهیم دیگر از اصلاح‌طلبی چیزی باقی نخواهد ماند و این در شأن یک جریان سیاسی نخواهد بود که تا دیروز منتقد بی‌اخلاقی‌های جریان رقیب بود. میرزایی‌نیکو گفت: با برخی جوسازی‌ها و روش‌های پوپولیستی و تخریب افراد راه به جایی نخواهیم برد. فاطمه حسینی، یکی از اعضای فراکسیون امید، نیز در گفت‌وگو با ایلنا، خبر درخواست برخی اعضای فراکسیون امید از برخی وزرای پیشنهادی روحانی را برای انصراف تکذیب کرد و گفت: این خبر چیزی جز شایعه نیست.

ادامه در صفحه ۱۱